

هدف کلی: پذیرش سقراط به عنوان یک فیلسوف نمونه و همراهی با اندیشه ها و عمل او

اهداف آموزشی

توانایی بیان ویژگی های برجسته زندگی سقراط
برقراری ارتباط میان اندیشه ها و سبک زندگی سقراط
ذکر علت مخالفت آتنیان با سقراط و محاکمه و مرگ او

مجتبی محمودی

دبیر فلسفه و منطق شهرستان ایذه

سال تحصیلی: 1401 - 1400

به کانال ما در تلگرام پیوندید

لینک کانال تلگرام: t.me/mahmoudi_izeh

۵

زندگی براساس اندیشه^۱

آن روزها، شهر آتن حال و هوای دیگری داشت. در هر کوی و برزن، به ویژه در میدان شهر، سخن از مردی بود که می گفتند به زودی محاکمه می شود. مردی که همه او را می شناختند. دیرزمانی بود که سخنان شیرین و پرمعنای او بر سر زبان ها بود. سخنان به ظاهر ساده و گاه خنده آورش ژرفای خاصی داشت. لباس های ساده می پوشید. اخلاق و منش جذابی داشت. رفتار متواضعانه و همراه با احترام او موجب شده بود جوانان زیادی مجذوبش شوند.

او هر روز در شهر به راه می افتاد و نزد بازاریان، مردم عامی و اعیان و اشراف می رفت و با آنان حرف می زد و پیوسته درباره مسائل روزمره زندگی می اندیشید و با مردم سخن می گفت.

نمایی از شهر باستانی آتن

۱. برگرفته از رساله آپولوژی (دفاعیه) افلاطون و کتاب «مرگ سقراط» اثر رومانو کوار دینی و با استفاده از کتاب فلسفه سال یازدهم

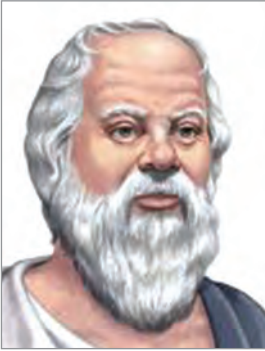
چاپ ۱۳۹۵، تألیف آقای دکتر طالب زایدی، کتاب سقراط، فلسفه آتن، تهران، مگال (ص ۲۰ تا ۲۳)

1- جامعه آتن در زمان سقراط متأثر از اندیشه های چه کسانی بود؟

2- سوفسطائیان چگونه بر شیوه زندگی مردم تاثیر می گذاشتند؟

3- سقراط برای چه چیزی قیام کرده بود؟

بیشتر بدانیم



سقراط در اواخر سال ۴۷۰ یا اوایل سال ۴۶۹ پیش از میلاد در شهر آتن به دنیا آمد. پدرش سنگ تراش و مادرش ماما بود. در آغاز جوانی حرفه پدری را دنبال کرد ولی زود از آن دست کشید. در زندگی قناعت پیشه کرد و در پی تحصیل معرفت حقیقی برآمد. او نزد استاد خاصی درس نیاموخت، بلکه بیشتر از راه مطالعه در آثار گذشتگان و تفکر و تأمل و رفتار صحیح در زندگی، مراتب خردمندی را پیمود. سقراط شهر آتن را به قصد شرکت در جنگ های معروف به پلوپونزی^۱ ترک گفت و در این جنگ ها از خود رشادت های فراوان نشان داد. او شاگردان و طرفداران زیادی داشت، اما بزرگ ترین شاگرد وی افلاطون بود که در تاریخ فلسفه تأثیری بسزا داشته است. سقراط سرانجام در سال ۳۹۹ پیش از میلاد از طرف برخی منتقدان آتنی محاکمه و به مرگ محکوم گردید.

4- چه کسی زندگی سقراط را حکایت کرده و در آثارش چه چیزی را به تصویر کشیده است؟

۱. مجموعه جنگ هایی است که در طی سال های ۴۳۱ تا ۴۰۴ پیش از میلاد میان آتن و اسپارت رخ داد و در نهایت به تخریب آتن و انحطاط تمدن آن منتهی گردید.

این مرد کسی جز سقراط نبود. زمزمه محاکمه چنین شخصیتی، با آن محبوبیت و احترام، چیزی نبود که به سادگی بتوان آن را باور کرد. این محاکمه عجیب در میان دوستداران سقراط غوغایی به پا کرده بود. همه می پرسیدند: جرم سقراط چیست؟ چرا می خواهند او را محاکمه کنند؟

اماسرانجام این اتفاق افتاد. سقراط در هفتاد سالگی زندانی شد و در دادگاهی که شاید تاریخ تاکنون نظیرش را ندیده باشد، به اعدام محکوم گردید و زندگی سرشار از فضیلتش با نوشیدن جام شوکران به پایان رسید. سقراط چهره برجسته تاریخ فلسفه است.

نکته

۱ (جامعه آتن در زمان سقراط متأثر از اندیشه های سوفسطائیان بود. آنان معتقد بودند که جهان را نمی توان شناخت و آنچه را که ما علم و دانش می نامیم، تنها ساخته و پرداخته ذهن ماست و تطابق با واقعیت ها ندارد.)^۲ آنان با کمک اقسام مغالطه ها و جدل و فن سخنوری به نشر اندیشه خود می پرداختند و بر شیوه زندگی مردم تأثیر می گذاشتند. تحت تأثیر چنین اندیشه هایی، اخلاق و فضیلت میان مردم کم رنگ شده بود و بسیاری از مردم به دنبال حق جلوه دادن باطل بودند.)^۲ در چنین شرایطی که جامعه آتن از حقیقت و فضیلت فاصله می گرفت و حق طلبی در سایه جدل و سخنوری ماهرانه کم رنگ می شد، قهرمانی به نام «سقراط»^۳ پرچم علم و فضیلت را برافراخت (و برای احیای تفکر عقلانی و استواری فضیلت قیام کرده و شالوده تفکر فلسفی اصیل را استوار ساخت.)^۳

نکته

سقراط هیچ کتابی ننوشت، اما سراسر حیاتش را با فلسفه سیری کرد. زندگی وی حکایت واقعی فلسفه است. ما از مطالعه و تأمل در زندگی او می توانیم دفتر اندیشه های فلسفی اش را ورق بزنیم و به نقش حقیقی فلسفه در زندگی انسان، بیشتر پی ببریم.^۴ (افلاطون، شاگرد برجسته وی این زندگی را حکایت کرده و مبارزه سقراط با مغالطه گران و سوفیست ها را در آثار خود به تصویر کشیده است.)^۴

نکته

۵ (افلاطون نشان می دهد که سقراط عمر خود را مصروف اصلاح جامعه و شناساندن افکار مغالطه آمیز سوفیست ها کرد. با هر کس که به او گوش می داد، مسائل اساسی خدانشناسی، اخلاق، سیاست و اجتماع را در میان می گذاشت.)^۵ بحث های او به دل می نشست و به هر کجا که می رفت، مردم، به ویژه جوانان مشتاق گرد او حلقه می زدند.^۶ (سقراط، روش بحث ثابتی داشت. مفهومی از

5- افلاطون نشان می دهد که سقراط عمر خود را صرف چه اموری کرده است؟

6- روش سقراط در بحث چگونه بود، آن را توضیح دهید؟

مفاهیم را که در زندگی ما اهمیت حیاتی دارد، برمی گزید و درباره اش پرسش می کرد. مثلاً می پرسید «دوستی چیست؟» یا «شجاعت چیست؟» وقتی کسی داوطلب پاسخ می شد، با توجه به پاسخ او، سؤال دیگری طرح می کرد به طوری که مخاطب و پاسخ دهنده را به حقیقت می رساند و آنچه را که حق بود، از زبان پاسخ دهنده به دست می آورد. این روش گفت و گو و پرسش و پاسخ که سقراط به کار می گرفت، به تدریج به «روش سقراطی» شهرت یافت.

1) او به مردم می آموخت که هر چیزی را مورد سؤال قرار دهند. او جهالت افراد قدرتمند و سفسطه گرا را به رخشان می کشید. از این رو او به چهره ای بسیار بحث برانگیز تبدیل شد. بسیاری از مردم او را دوست می داشتند و گروهی نیز از او بیزار بودند.¹
سقراط، خطاب به مردم آتن می گفت:

2) «از گشت وگذار در شهر جز این مقصودی ندارم که شما جوانان و بزرگسالان را متقاعد سازم که نباید جسم و مال و ثروت را بر کمال نفس خود ترجیح دهید و به شما یادآوری کنم که ثروت، فضیلت نمی آورد، بلکه از فضیلت است که ثروت و هر چه که برای فرد و جامعه سودمند است، به دست می آید...»²
او همچنین می گفت:

3) «من هیچ گاه از بیدار ساختن، پند دادن و حتی سرزنش کردن یکایک شما باز نمی ایستم و شما همه جا مرا در کنار خود می یابید... من کسی نیستم که برای پول سخن بگویم یا به خاطر آن، لب از گفتار فرو بندم. من هم با تهی دستان و هم با توانگران همنشینی می کنم تا از من بپرسند و به سخنان من گوش فرا دهند... این رسالتی است که خداوند با نداهای غیبی و در رؤیایها بر عهده من نهاده است»³
3- سقراط معتقد بود که خداوند چه رسالتی را بر عهده او نهاده است؟



۱. سقراط می گفت من همچون یک ماما عمل می کنم. همان طور که ماما به خانم باردار کمک می کند تا فرزندش را به دنیا آورد، من نیز در گفت و گو با دیگران کمک می کنم که خودشان حقیقت را بیان کنند.

در رفتار و گفتار سقراط بیندیشید و به سؤال‌های زیر پاسخ دهید:

۱ چرا سقراط وظیفه خود می‌دانست که درباره مسائل اساسی زندگی با مردم صحبت کند؟

آیا مردم از او چنین درخواستی کرده بودند؟

سقراط درباره مسائل اساسی زندگی یا مردم سخن می‌گفت بدون اینکه مردم از او درخواست کنند. سقراط می‌گفت این رسالتی است که خداوند با ندهای غیبی و رؤیایها بر عهده من نهاده است.

۲ سقراط، این وظیفه خود را با چه روشی انجام می‌داد؟

سقراط روش بحث ثابتی داشت. مفهومی از مفاهیم را که در زندگی اهمیت حیاتی دارد برمی‌گزید و درباره اش پرسش می‌کرد و با توجه به پاسخ مخاطب پرسش دیگری را مطرح میکرد به طوری که پاسخ دهنده را به حقیقت می‌رساند. این روش بحث و گفتوگویی که سقراط به کار می‌برد به تدریج به روش سقراطی شهرت یافت

۳ مخالفان اصلی سقراط چه کسانی بودند؟

مخالفان سقراط کسانی بودند که با کمک اقسام مغالطه‌ها و جدل و فن سخنوری، حق را باطل و باطل را حق جلوه می‌دادند و بر شیوه زندگی مردم تأثیر می‌گذاشتند
سقراط در چنین شرایطی قیام کرد و تفکر عقلانی را احیا نمود

۴ با توجه به آنچه تا اینجا درباره سقراط بیان شد، آیا می‌توان برخی از اصول فکری سقراط را به دست آورد؟ درباره فضیلت و ثروت، عقل و جهل و...؟ برتری فضیلت بر ثروت

فداکاری در راه حقیقت

تحمل زنج برای آگاهی مردم

مبارزه با جهل و نادانی

احساس تواضع در برابر علم و دانایی

1- مقامات حکومتی سقراط را به چه جرمی محاکمه کردند؟

2- از نظر ملتوس جرم سقراط چه بود؟

سقراط در برابر دادگاه

سرانجام مقامات حکومتی سقراط را به اتهام فاسد کردن جوانان و بی‌ایمانی به خدایان بازداشت کردند و او را محاکمه نمودند) جلسه دادگاه تشکیل شد و حاضران آماده برگزاری محاکمه شدند.

ملتوس^۱ به نمایندگی از متهم کنندگان در دادگاه گفت: «جرم سقراط این است که خدایانی را که همه به آنها اعتقاد دارند، انکار می‌کند و از خدایی جدید سخن می‌گوید! با افکار خود جوانان را گمراه می‌سازد و آنها را از دین و آیین پدرانشان برمی‌گرداند...»^۲

ملتوس برای ادعای خود شواهدی ذکر کرد و در پایان از دادگاه برای سقراط درخواست مجازات مرگ نمود. دادگاه از سقراط دعوت کرد تا از خود دفاع کند. سقراط با چهره‌ای آرام و گام‌هایی استوار به سوی جایگاه حرکت کرد و با لحنی مطمئن به اتهامات ملتوس پاسخ داد.

نکته

۱. ملتوس، یکی از سوفسطائیان و از مخالفان سرسخت سقراط بود.

بیشتر بدانیم

مخالفان سقراط به ظاهر سه تن بودند: ملتوس شاعر، انوتوس توانگر و صاحب نفوذ، لوکون سیاستمدار و نماینده روشنفکران؛ اما در حقیقت، این سه تن نماینده همه کسانی بودند که مروج سفسطه بودند و پایه های اخلاقی شهر را ویران می ساختند و کسب ثروت را از هر راهی مجاز می شمردند. ملتوس به نمایندگی دو نفر دیگر و از جانب خود ادعای نام را در دادگاه قرائت کرد. سقراط در این دادگاه سه بار از خود دفاع کرد؛ این دفاعیات به خطابه های اول و دوم و سوم مشهور شده است. خطابه سوم بعد از اینکه هیئت منصفه رأی به قتل سقراط داد، ایراد شده است.

سقراط زندگی ساده ای داشت و به دور از تجمل روزگار می گذرانید. او می گفت: بالش من سنگ، لحافم آسمان و زیراندازم زمین است.

سقراط فقط یک فیلسوف نبود، او جنگجوی بزرگ و شجاع بود که برای وطنش می جنگید و در سخت ترین معرکه ها حاضر می شد. خودش به مردم آتن می گوید: در جنگ ها هر جا که فرماندهان مرا مأمور می کردند، می ایستادم و مرگ را حقیر می شمردم.



معبد دلفی

1) دفاعیه سقراط بیانیه ای فلسفی بود که همه اصول زندگی وی را در بر می گرفت.

لذا قسمت هایی از دفاعیه او را در اینجا می آوریم تا با اندیشه های وی بیشتر آشنا شویم. سقراط در قسمتی از دفاعیه خود می گوید:

«آتنیان! بگذارید افترايي را که از دیرباز به من نسبت داده اند و ملتوس هم همان را تکرار کرد، یادآوری کنم. آنان می گویند (سقراط رفتاری خلاف دین ما آتنیان در پیش گرفته و در پی آن است که به اسرار آسمان و زمین دست یابد. باطل را حق جلوه دهد و این کار را به دیگران هم می آموزد.)²

سقراط پس از اینکه با توضیحات دقیق به این اتهام پاسخ داد، گفت:

«آری، کاوش و جست و جوی من برای شناخت کسانی که ادعای دانشمند بودن می کنند و جدا کردن آنها از کسانی که دانشمند حقیقی هستند، سبب شده که گروه بزرگی به غلط مرا «دانا» بنامند؛ در حالی که من دانا نیستم. فقط شاید به این دلیل که وقتی نادانی کسی را آشکار می کنم، کسانی که آنجا حاضرند، گمان می کنند که آنچه را آنها نمی دانند، من می دانم؛ حال آنکه دانای حقیقی فقط خداست»³ راز سروش معبد دلفی¹ که در الهامی به دوستم کرفون گفته بود «داناترین مردم سقراط است»، همین بود که به ما بنمایاند که تا چه پایه نادانیم و اگر از من به عنوان «دانا» یاد کرد، فقط به این خاطر بود که بگوید: داناترین شما آدمیان، کسی است که چون سقراط بداند که هیچ نمی داند.»⁴

به تدریج گفت و گوی سقراط با ملتوس بالا گرفت و به مناظره ای طولانی تبدیل شد. سقراط، با اندکی مکث، به ملتوس رو کرد و گفت:

«از تو سؤال دیگری می کنم. آیا تو معتقدی که من خداپرست نیستم؟»

ملتوس فریاد برآورد که:

«بلی تو منکر خدایان هستی.»

4- راز سروش معبد دلفی که در الهامی به دوست سقراط، کرفون گفته بود چیست؟

۱. دلفی شهر کوچکی در یونان بود که معبد دلفی، مشهورترین معبد یونان در آنجا قرار داشت. از نظر یونانیان این معبد به ایزد بلندمرتبه، آپولون تعلق داشت؛ مردم سراسر یونان برای دین کاهن این معبد، به آنجا می رفتند.
 ۲. سقراط، با این جملات تواضع و فروتنی خود را در برابر علم نشان می دهد. باید بدانیم که نادانی و جهل بر دو نوع است: الف) جهل ساده: انسان اموری را نمی داند اما نسبت به نادانی خود آگاه است و بنابراین از دیگران سؤال می کند تا بداند. ب) جهل مرکب: انسان اموری را نمی داند و نسبت به نادانی خویش نیز نادان است؛ بنابراین نمی داند که نمی داند. چنین کسی در پی کسب دانایی هم نیست. البته بسیاری از دانشمندان چیزهای فراوانی می دانند، اما از آنجا که عظمت جهان را درک کرده اند و دانش خود را ناچیز می شمارند، تواضع می کنند و خود را در دسته دانایان قرار نمی دهند. سقراط از این دسته بود و به همین دلیل با اینکه سروش معبد دلفی او را دانا خوانده بود، تواضع می کرد و می گفت سروش بدان جهت مرا دانا خواند که به نادانی خود اقرار می کنم.

1- از نظر ملتوس، سقراط خورشید و ماه را چه می دانست؟

2- سقراط وجود خداوند را چگونه برای ملتوس اثبات کرد؟

3- سقراط معتقد بود که اگر از ترس مرگ یا هر خطر دیگری از فرمان الهی سربتابد، سزاوار چیست؟

سقراط بار دیگر پرسید:

«منظورت این است که من خورشید و ماه را به خدایی نمی پذیرم؟»

ملتوس گفت: «آری، نمی پذیری؛ ای آنتیان بدانید که (سقراط خورشید را سنگ می داند و ماه را کره ای خاکی)»¹

سقراط با متانت گفت:

«اما این افترا، که من منکر خدا باشم، وارد نیست. از تو می پرسم: آیا ممکن است که کسی صفات و امور مربوط به انسان را بپذیرد، اما منکر وجود انسان باشد؟ آیا کسی پیدا می شود که علم و قدرت و عدالت فوق بشری را قبول داشته باشد ولی وجود خداوند را منکر شود؟»²

ملتوس گفت: «نه، چنین کسی پیدا نمی شود.»

سقراط گفت: «سپاسگزارم...»

سقراط در ادامه دفاعیاتش از کسانی یاد کرد که دشمن او هستند و به هر ترتیب که شده حکم مرگ وی را از دادگاه خواهند گرفت. بنابراین خطاب به حاضران گفت:

«ای مردم! کسی که راه درست را یافت و آن را در پیش گرفت، هرگز نباید از خطر هراسی به دل راه دهد. اکنون که خداوند مرا مأمور کرده تا در جست و جوی دانش بکوشم و آن را به دیگران بیاموزم، آیا پسندیده است که از ترس مرگ یا هر خطر دیگری از فرمان الهی سربتایم؟ بلی.»³ اگر چنین گناهی از من سرزند، سزاوار است که دادگاهی تشکیل دهند و بگویند سقراط به خدا اعتقاد ندارد. ارتکاب آن گناه دلیل بر سرپیچی از امر خداست؛ در آن صورت مدعی داشتن دانشی شده ام که در حقیقت فاقد آن هستم.»³

نکته

4- سقراط معتقد بود که گریز از چه چیزی دشوار است و چرا؟

سقراط، در پایان، خطاب به حاضران گفت:

«ای آنتیان (گریز از مرگ دشوار نیست، اما گریز از بدی دشوار است؛ زیرا بدی تندتر از مرگ می دود. من پیر و ناتوان به دام مرگ افتادم؛ ولی مخالفان من، با همه جُستی و چالاکی، در چنگال بدی گرفتار آمدند.»⁴

5- دلیل پذیرش مرگ از نظر سقراط چه بود؟

باری (اگر مرگ انتقال به جهانی دیگر است و اگر این سخن راست است که همه در گذشتگان در آنجا گرد آمده اند، پس چه نعمتی بالاتر از اینکه آدمی از این مدعیان که عنوان قاضی بر خود نهاده اند، رهایی یابد و با داوران دادگر آن جهان روبه رو شود و با نیکان و بلندمرتبانگ هم نشین گردد! اگر مرگ این است، حاضرم بارها به کام مرگ روانه شوم.)⁵

اکنون وقت رفتن فرا رسیده است؛ من به سوی مرگ می روم و شما به سوی زندگی. نصیب

نکته

1. سقراط با این سخن، در حال اثبات خدا از طریق صفات و آثار او بود.

کدام یک از ما بهتر است؟ جز خدا کسی نمی‌داند.»

نکته

پس از ختم دادرسی، سقراط را به زندان منتقل کردند تا روزهای واپسین عمر خود را در آنجا سیری کند و در موعد مقرر جام شوکران^۱ را بنوشد.

اندیشه

سقراط الگویی از یک فیلسوف است که براساس فلسفه‌اش زندگی کرده و در راه پایداری به آن جان خود را فدا نموده است. در این قسمت می‌خواهیم در گفتار و رفتار این فیلسوف بزرگ تأمل کرده و آن اصول فلسفی را که وی با آنها زندگی کرده، استخراج نماییم:

۱ چرا شاکیان، سقراط را متهم به بی‌دینی و انکار خدا می‌کردند؟ آیا واقعاً او اعتقادی به خدا نداشت؟

سقراط حقیقتاً به خدا اعتقاد داشت و حتی معتقد بود که سرش معبد دلفی از جانب خداوند برای او پیغام‌هایی می‌آورد تا با مردم در میان بگذارند. او به مغالطه و فریب و زیرپا گذاشتن ارزش‌های اخلاقی اعتراض داشت و از مردم می‌خواست که به خدای برتر که همه چیز را می‌داند ایمان داشته باشند و بار دیگر فضیلت‌های اخلاقی را زنده کنند

۲ آیا می‌توان با تأمل در سخنان وی در دادگاه، برخی دیگر از اندیشه‌های سقراط را به دست آورد؟ مثلاً درباره‌ی خدا، مرگ و...؟

کسی که راه درست را بیابد و در زندگی به کار گیرد هرگز نباید از خطر هراسی به دل راه دهد
نباید از ترس مرگ یا هر خطر دیگری از فرمان الهی سر برتافت

نمی‌توان علم و قدرت و عدالت فوق بشری را قبول داشت ولی وجود خداوند را منکر شد
۳ چرا سقراط نادانی را در اقرار به نادانی می‌دانست؟ آیا میان «چیزی نمی‌دانم» سقراط با

«چیزی نمی‌دانیم» سوفسطائیان تفاوتی هست؟

تفاوت نمی‌دانم سقراط با نمی‌دانم سوفسطائیان این است که نمی‌دانم سقراط ریشه در تواضع و فروتنی او دارد و خود را دوستدار دانش معرفی می‌کند ولی نمی‌دانم سوفسطائیان ریشه در جهل مرکب و خودبزرگ بینی کاذب دارند

۴ وقتی به زندگی سقراط و رفتار او در مقابل دیگران نگاه می‌کنیم، کدام اصول اخلاقی را در رفتار وی می‌توانیم مشاهده کنیم؟
ترجیح فضیلت بر ثروت
گذرگاه بودن مرگ

تواضع و فروتنی علمی

فداکاری در راه حقیقت

تحمل رنج برای آگاه کردن مردم

۱

مبارزه با جهل و نادانی

سیسرون، فیلسوف و خطیب بزرگ رومی (متولد ۱۰۶ پیش از میلاد) درباره‌ی سقراط می‌گوید: او فلسفه را از آسمان به زمین آورد و آن را به خانه‌ها و شهرها برد. او فلسفه را وادار کرد تا به زندگی، اخلاقیات و خیر و شر بپردازد.^۱

۱. نام یک گیاه دارویی است که نوعی از آن مواد سمی دارد.

انواع سوالات درس پنجم فلسفه یازدهم زندگی براساس اندیشه

تعیین کنید کدام یک از عبارات زیر صحیح و کدام یک غلط است؟
جامعه آتن در زمان سقراط متأثر از اندیشه سوفسطائیان بود. ص
سوفسطائیان با کمک اقسام مغالطه ها، جدل و فن سخنوری به نشر اندیشه خود می پرداختند. ص
زندگی افلاطون حکایت واقعی یک فلسفه است. غ
سقراط برای احیای تفکر عقلانی و استواری فضیلت قیام کرد و شالوده تفکر فلسفی اصیل را استوار ساخت. ص
سقراط، روش بحث ثابتی داشت. ص
ملتوس نماینده متهم کنندگان بود. ص
از نظر ملتوس، سقراط با افکار خود جوانان را گمراه می سازد و آنها را از دین پدرانشان برمی گرداند. ص
ملتوس در پایان از دادگاه برای سقراط تقاضای بخشش نمود. غ
دفاعیه سقراط بیانیه ای فلسفی بود که همه اصول زندگی فلسفی وی را در بر داشت. ص
سقراط در دفاعیه خود در دادگاه گفت: من دانای حقیقی هستم. غ
از نظر سقراط دانای حقیقی فقط خداست. ص
پیام سروش معبد دلفی این بود: داناترین مردم سقراط است. ص
از نظر سقراط گریز از بدی دشوار نیست. گریز از مرگ دشوار است. غ
داناترین آدمیان کسی است که چون سقراط بداند که هیچ نمی داند. ص

جاهای خالی را با استفاده از کلمات مناسب کامل کنید

چهره برجسته تاریخ فلسفه است. سقراط
جرم سقراط این است که که همه به آنها معتقدند انکار می کند و از جدید سخن می گوید
خدایانی - خدایی
سوفسطایی که در پایان دادگاه برای سقراط درخواست مجازات نمود بود. مرگ - ملتوس
دفاعیه سقراط بیانیه ای بود که همه اصول زندگی فلسفی وی را در بر داشت. فلسفی
از نظر سقراط دانای حقیقی فقط خداست
راز سروش معبد دلفی این بود که به ما بنمایاند تا چه پایه نادانیم
داناترین شما آدمیان، کسی است که چون بداند که هیچ سقراط - نمی داند
نماینده متهم کنندگان سقراط بود. ملتوس
جامعه آتن در زمان سقراط متأثر از ندیشه های بود. سوفسطائیان
فیلسوفی که مبارزه سقراط با سوفیست ها را به تصویر کشید بود. افلاطون
زندگی حکایت واقعی یک فلسفه است. سقراط
از نظر سقراط کسی که به راه دست یافت، هرگز نباید از هراسی به دل راه دهد. درستی - خطر
سقراط می گوید که مرا مامور کرده تا در جست و جوی بکوشم و آن را به دیگران آموزش
دهم. خداوند - دانش

مجتبی محمودی، دبیر فلسفه و منطق شهرستان ایزه

لینک کانال تلگرام: t.me/mahmoudi_izeh